



از ترکیه تا کار رستوران داری در

نیلسیه

تاها داگ 44، نیلسیه

رئیس شرکت پیتزا - کباب

یک پناهنده کرد از ترکیه هستم. و در سال ۱۹۹۱ از کشور فنلاند پناهنده گی گرفتم یک سال را در مرکز تورکو زندگی کردم رئیس مرکز برای من در یک رستوران در شهر سالو کار پیدا کرد. که در آنجا مدت سه سال کار میکردم. بعد از شهر سالو در چندین استان مختلف فنلاند زندگی کردم. قسمت اول مرا به شهر میکی برد که در آنجا رستورانی برای خود تاسیس کردم بعد از فوت پدرم مجبور به فروش آن شدم. باید برای فاتحه پدرم به ترکیه برمیگشتم. بعد از شهر میکی در شهر یواهم یک رستوران

داشتیم و در یوتسن و لاپراندا. بعد از آن با همسرم به سیلین پاروی رفتیم، که در آنجا حدود یکسال سهامدار رستوران پیتزا- کباب بودم میخواستیم جایی برای خود داشته باشیم و با همیاری دوستی اینجا در نیلسیا رستورانی بنا کردم. هشت ماه قبل رستوران پیتزا- کباب به اسم آدانا را باز کردم که قبلا دفتری بود که خودم با تعمیرات به رستوران تبدیلش کردم. با خانواده به این شهر آمدیم. یک پسر شش ساله به نام آنتون داریم. در این شهر رستورانهای دیگری هم به شکل پیتزا- کباب هست ولی من تنها خارجی اینجا هستم.

رستورانم اسمش را از مکان تولدم آدانا گرفته است. آدانا در حدود ۱,۲ میلیون جمعیت دارد و چهارمین شهر بزرگ کشور است. خانواده من کشاورز بودند مثل خیلی کردهای دیگر در گذشته زمینی در دهات ماردین اومرلی داشتیم. در منطقه کرد نشین ترکیه ترکها دهات ما را ویران کردند و خانواده ام به شهر فرار کردند. در سالهای اقامت در فنلاند فقط دوبار به وطنم مسافرت کرده ام. یک پناهنده سیاسی هستم و جرات نکردم بیشتر به ترکیه سفر کنم حتی با اینکه ملیت فنلاند را دارم. یک خواهر و یک برادر هم در فنلاند هستند بقیه فامیل در ترکیه هستند.

رستوران به اسم خودم است ولی خانم به من کمک میکند و در کنار کار در مدرسه شبانه کوپو درس آرایشگری میخواند با خانم به شهر ساو و خو گرفته ایم او متولد یوتسنواست. ساوو با شهرهای دیگری که بوده ام فرق میکند مثلا در شهر میکی هر آخر هفته از این وحشت داشتیم که بخاطر خارجی بودنم شیشه های رستوران را بشکنند که در ساوو هیچ وقت اینطور نبوده یکبار وقتی جلوی رستوران بودم مردی از داخل ماشین به من بیلاخ داد ولی مشکلات دیگری از این قبیل نداشتیم و رستورانم درآمد خوبی دارد.

در فنلاند همیشه در کار رستوران بوده ام برای مهاجرین از قرار معلوم امکانات شغلی دیگری وجود ندارد. تحصیلات من در ترکیه در زمینه کارهای ساختمانی بود و کارهای ساختمانی میکردم در فنلاند باید سه سال در این رشته درس میخواندم و بعد از آن هم یافتن کار حتمی نبود، همیشه در فنلاند کار کرده ام و به بیکاری

رازی نیستم در شهر سالو 6 ماه در کلاس درسی که برای مهاجرین بود درس خواندم. بیشتر زبان را در کار یاد گرفتم در کار رستوران داری زبان را از طریق خدمت به مشتری یاد میگیریم.

در ترکیه فوتبال را به صورت حرفه ای بازی میکردم در تور کوهم 7 ماه در تیم ت پ اس بودم کارهای هنری هم در فنلاند کرده ام هشت ماه درس خطاطی و نقاشی را به شاگردی يك خانم ترك كه مدت زیادی در فنلاند بوده یاد گرفتم از طریق مرکز پناهندگان در هلسنکی در نمایشنامه ای بودم که بیانگر بمباران شیمیایی صدام در منطقه کرد نشین حلبچه بود در کتابخانه عکس پسر را پیدا کردم که تنها بازمانده این حمله بود عکس را به صورت بزرگتر کشیدم. کارم سومین جایزه را گرفت و آنرا خریدند. همچنین کارهای فشن اندامی و منظره هم نقاشی کرده ام.

کارروانه

بزرگترین مشکل سرمایه دار این است که برای خانواده و تفریحات وقت کمی دارد، بخاطر همین دیگر فوتبال بازی نمی کنم و وقت برای نقاشی هم ندارم جدیداً یکی از اقوام برای کمک پیش ما کار می کند از طریق اداره کار دنبال کمکی می گردیم ولی هنوز فردمناسبی پیدا نکرده ام اکثراً یا با کار رستوران داری آشنا نیستند یا فقط از روی لیست می زنند.

روزهای هفته رستورانم از ساعت 11 تا 21.30 باز است. آخر هفته جمعه شنبه از 12 تا 4 صبح یکشنبه 12 تا 21.30 تقریباً هر روز سرکار هستم ولی شیفتهای کاری را با خانم عوض میکنیم. کمکی ام هنوز اینقدر فنلاندی بلد نیست که بتواند تنهایی از عهده کار بر آید. در طی روز تاشب مشتریهای مختلفی داریم روزهای هفته معمولاً برای نهار می آیند آخر هفته ها بعد از تعطیل شدن رستورانهای دیگر نیلسی تادیر وقت برای خوردن می آیند از تاحکول هم توریستها برای خوردن می آیند. تعطیلات به ندرت و کوتاه است در تعطیلات یوحانوس چند روز تعطیل بودیم و با خانواده تعطیلات خیلی خوش گذشت.

بهترین قسمت کار خدمت به مشتری است مخصوصاً وقتی مشتری راضی باشد بهترین بخش کار شخصی این است که رئیس خودت هستی در جای به این کوچکی تقسیم کار نیست هر کس همه کاری باید بکند. باور دارم پنج سال دیگر هنوز به کار رستوران داری مشغول هستم.

مصاحبه و مشق: آنو لیکونین

عکاس: ناننی آکولا